

Analysis of Single Child Injuries for Parents with a Religious and Psychological Approach

Marzieh Heravi^{1}*

Esmail Cheraghi Koutiani²

Mohsen Herati³

1. Fourth level student of Masoumiah Theological Institute (Corresponding Author)

Email: mheravi1729@gmail.com

2. PhD of Sociology and Higher Lecturer of Qom Seminary

Email: esmaeel.cheraghi@gmail.com

3. PhD student in Women Studies, Qom University of Religions and Religions

Abstract

The family in our current society has undergone changes, transformations and injuries, one of which is monogamy. The purpose of this study is to investigate and analyze single child injuries for parents. The findings indicate that although there is no direct discussion of monogamy, quantity and number of children in religious teachings, the totality of verses and narrations on childbearing emphasize the importance of this issue. Monogamy is not only endorsed by religion, but is also known to be a problem that can cause many injury to parents. In this study, the physical, psychological, educational and spiritual injuries of a single child have been studied. Physical injuries of single parents such as the effect of pregnancy, breastfeeding and childbirth on maternal health, psychological injuries such as increased anxiety, stress and depression of parents, educational injuries such as childbearing, reduced family cohesion and time consuming education and spiritual injuries such as deprivation of virtues and childbearing rewards. Deprivation of spiritual support after death and reduced help in old age. The method of collecting documentary and library research and the method of processing descriptive and analytical materials has been the results of previous research.

Keywords: Injury, Single child, Parents, Parenting, Single children.

*. Date of Reception: 2020/05/31 , Date of Acceptation: 202008/29

تحلیل آسیب‌های تک‌فرزندى برای والدین

با رویکرد دینی و روان‌شناختی

مرضیه هروی^{*۱}

اسماعیل چراغی کوتیانی^۲

محسن هراتی^۳

۱. طلبه سطح چهار مؤسسه آموزش عالی حوزوی معصومیه (علیها السلام) (نویسنده مسئول)

Email: mheravi1729@gmail.com

۲. دکتری جامعه‌شناسی و مدرس سطح عالی حوزه علمیه قم

Email: esmaeel.cheraghi@gmail.com

۳. دانشجوی دکتری مطالعات زنان دانشگاه ادیان و مذاهب قم

چکیده

خانواده در جامعه کنونی ما دچار تغییر، تحولات و آسیب‌هایی شده است که تک‌فرزندى یکی از آنهاست. هدف از انجام این پژوهش بررسی و تحلیل آسیب‌های تک‌فرزندى برای والدین است. یافته‌ها حاکیست اگرچه مستقیماً در آموزه‌های دینی از تک‌فرزندى، کمیت و تعداد اولاد بحثی به میان نیامده است، اما کلیت آیات و روایات فرزندآوری بر اهمیت این مسئله تأکید دارند. تک‌فرزندى نه تنها مورد تأیید دین نیست، بلکه یک معضل شناخته می‌شود که می‌تواند والدین را با آسیب‌های متعددی مواجه سازد. در این پژوهش آسیب‌های جسمی، روانی، تربیتی و معنوی تک‌فرزندى مورد بررسی قرار گرفته‌اند. آسیب‌های جسمی والدین تک‌فرزند مانند تأثیر بارداری، شیردهی و زایمان در سلامت مادر، آسیب‌های روانی مانند افزایش اضطراب، استرس و افسردگی والدین، آسیب‌های تربیتی مانند رواج فرزندسالاری، کاهش انسجام خانواده و وقت‌گیر بودن تربیت و آسیب‌های معنوی مانند محرومیت از فضایل و پاداش‌های فرزندآوری، محرومیت از حمایت معنوی پس از مرگ و کاهش یاری‌رساندن در دوران پیری می‌باشد. روش گردآوری پژوهش اسنادی و کتابخانه‌ای و روش پردازش مطالب توصیفی و تحلیلی با استفاده از نتایج پژوهش‌های پیشین بوده است.

کلیدواژه: آسیب، تک‌فرزندى، والدین، فرزندپروری، کودکان یگانه.

*. تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۳/۱۱، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۶/۰۸

مقدمه

ازجمله مباحث مهم که در چند دهه اخیر مطرح گردیده موضوع جمعیت و فرزندآوری بوده است. افزایش پرشتاب آسیب‌ها و ناهنجاری‌های اجتماعی و چالش‌های موجود در زمینه فرزندآوری مستلزم ارتقاء سطح بینش و آگاهی خانواده‌ها و ارائه آموزش‌های لازم و انجام پژوهش‌های علمی عمیق و گسترده می‌باشد. تک‌فرزندی یکی از آسیب‌هایی است که در سال‌های اخیر رشد فزاینده‌ای داشته و بسیاری از خانواده‌های ایرانی بدان گرایش پیدا کرده‌اند. عوامل گوناگونی برای گرایش خانواده‌ها به تک‌فرزندی شناسایی شده است. برخی خانواده‌ها به دلیل سختی کشیدن در برخورد با فرزند اول، تمایلی به داشتن فرزندان بیشتر ندارند. برخی دیگر از خانواده‌ها به دلیل شرایط جدید در سبک‌های زندگی پس از تولد فرزندشان دیگر نمی‌توانند بچه‌دار شوند. برخی دیگر به دلیل مشکلاتی همچون مشکل اقتصادی، تربیتی و امکانات رفاهی، به تک‌فرزندی رو می‌آورند.

از منظر دینی و روان‌شناختی تک‌فرزندی نه تنها مورد تأیید نیست بلکه یک آسیب و معضل شناخته شده که می‌تواند اساس موجودیت یک جامعه را سست کرده و بنیان خانواده را متزلزل ساخته و به نابودی بکشاند. بررسی آیات و روایات فرزندآوری و رحمت الهی دانستن کثرت فرزندان (انبیاء: ۸۴) و نعمت و مدد الهی خواندن (نوح: ۱۴) آنان می‌تواند بر نقش آنان در استحکام خانواده و جامعه نیز دلالت کند. به عقیده فریدمن نیز حضور فرزندان موجب همگرایی اهداف زوجین و در نتیجه کاهش تعارض‌های آنان می‌شود (هراتیان، ۱۳۹۴، ص ۹۸). تحقیقات نیز بیانگر این است که طلاق میان افراد متأهل بدون فرزند بیشتر از متأهلین دارای فرزند است (قدسی، ۱۳۹۰، ص ۱۳). ضرورت پرداختن به مسئله زمانی حساس می‌شود که میزان رشد تفکر تک‌فرزندی در جوامع اسلامی زنگ خطر را به خصوص در کشور ما که از یک سو پایگاه تشیع در جهان است و از سوی دیگر طلایه دار استقلال، آزادی و ظلم‌ستیزی در جهان بیش از دیگر ملت‌هاست، به صدا درآورده است.

از مجموع آموزه‌های دینی و تربیتی درباره فرزندآوری چنین فهمیده می‌شود که اگرچه در منابع درباره کمیت و تعداد فرزندان سخنی به میان نیامده است اما اسلام نگرشی مثبت به فرزندآوری داشته و با ادبیات گوناگون مسلمانان را به فرزندآوری تشویق نموده است (پناهی، ۱۳۹۵، ص ۳۶). از سوی دیگر ازدواج و مادر شدن تأثیر زیادی در رشد معنوی و سلامت جسمی و روحی آینده زنان دارد و در برخی موارد به اندازه وضعیت اجتماعی و اقتصادی افراد اهمیت دارد (نژاد مقدم، ۱۳۹۴، ص ۲). مسئله‌ای که مادران تک‌فرزند خواسته یا ناخواسته از مواهب و برکات آن محروم می‌باشند.

میزان شیوع افکار پارانویید، خصوصاً افسردگی، حساسیت بین فردی، وسواس، روان‌پریشی و اضطراب در زنان نابارور بیش از زنان بارور بوده است (نژاد مقدم، ۱۳۹۴، ص ۵). والدین تک‌فرزند به دلیل وابستگی و احساس خطر از دست دادن تک‌فرزند زمینه چالش‌ها و آسیب‌های جسمی و روانی بیشتری دارند. از نظر تربیتی نیز تربیت این کودکان وقت‌گیرتر بوده و مشکلاتی از قبیل فرزندسالاری و از کاهش انسجام خانواده را در پی دارد. از سوی دیگر

این والدین از پاداش و برکات فرزندآوری و حمایت معنوی پس از مرگ محروم‌تر می‌باشند.

نکته حائز اهمیت این‌که این آسیب‌ها حالت اقتضایی و تمهیدی دارند، بدین معنا که وجود برخی از این علل در فرد یا خانواده مستلزم این نیست که افراد قطعاً دچار این آسیب‌ها خواهند شد؛ بلکه چنانچه این عوامل با عوامل دیگری آمیخته شود می‌تواند زمینه‌ساز مشکلات بعدی باشد. با توجه به این‌که آسیب‌ها ممکن است از گستردگی زیادی برخوردار باشند تأکید ما بر آسیب‌های جسمی، روانی، تربیتی و معنوی خواهد بود.

آنچه در این نوشتار به دنبال پاسخگویی به آن هستیم آن‌که تک‌فرزندانی چه آسیب‌هایی برای والدین به دنبال دارد. قبل از ورود به بحث، اشاره مختصری به دیدگاه اسلام درباره کمیت و کثرت فرزندان خواهیم داشت.

فرزندآوری؛ کمیت یا کیفیت

در اسلام تولیدمثل و زادآوری، امری ممدوح و پسندیده بوده و نسبت به آن تأکید و ترغیب فراوانی صورت گرفته است. از مجموع آیات مربوط به فرزندآوری در قرآن چنین برداشت می‌شود که فرزندان نعمت‌های الهی هستند که از سوی پروردگار نزد والدین به ودیعه نهاده شده‌اند (کلینی، ۱۴۱۲، ج ۶، ص ۳، ح ۱۰) و همچون سایر نعمت‌های پروردگار می‌توان از آن‌ها در جهت کمال و سعادت بهره برد و هم با عدم استفاده صحیح به فساد و تباهی کشاند. علاوه بر این، به تصریح روایات فرزند مایه زینت زندگی (کهف: ۴۶) و یار و مددکار پدر و مادر (اسراء: ۶؛ نوح: ۱۲؛ حر عاملی، ۱۴۱۲، ج ۲۱، ص ۳۵۶) و یادگار و جانشین آن‌ها در دنیا بوده (حر عاملی، ۱۴۱۲، ج ۲۱، ص ۳۵۷، ح ۲۷۲۹۰ و ص ۳۵۶، ح ۲۷۲۸۴، و ح ۲۷۲۸۵) و استغفار و اعمال نیک او سبب آموزش و نیک‌بختی والدین در حیات اخروی می‌شود (حر عاملی، ۱۴۱۲، ج ۲۱، ابواب احکام الاولاد، باب ۱، ح ۲ و باب ۲، ح ۵ و ج ۲۱، ص ۳۵۹، ح ۲۷۲۹۸؛ و ح ۲۷۲۹۹؛ صدوق، ۱۳۶۳، ج ۳، ص ۳۰۹، باب ۱۴۸) وجود این مقدار تأکید و ترغیب، موجب می‌شود تا انگیزه تولید نسل و فرزندآوری را در انسان تقویت کند.

اگرچه اصل فرزندآوری قابل مناقشه نیست و جهت‌گیری کلی روایات معصومین (علیهم السلام) به سمت کثرت مولید بوده است، اما در روایات، عددی در مورد تعداد فرزندان مشخص نشده است ضمن آنکه در برخی روایات نیز داشتن اموال و اولاد در حد کفاف بیان شده است توضیح آن‌که در آیات و روایات متعدد فرزند در کنار مال ذکر شده است (کهف: ۴۲؛ اسراء: ۶؛ نوح: ۱۲) و همان‌طور که در جمع‌آوری ثروت باید به حد کفاف قناعت کرد در فرزندآوری نیز باید جهت خیر و صلاح را در نظر گرفت (طباطبائی، ۱۳۷۸، ج ۱۹، ص ۵۸۶). و در پاره‌ای دیگر به محدودیت‌ها و شرایط ویژه در تولید نسل اشاره شده است (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۷۲، باب فضل الفقر و الفقراء، ح ۱، ۲، ۳، ۴، ۶، ۹، ۱۴، ۱۸، ۲۷، ۵۸۶). همین موضوع سبب شده تا تلقی اشتباهی به وجود آید که تربیت صحیح یک فرزند بهتر از کثرت اولاد است و چنین پنداشته شود که نباید کمیت را فدای کیفیت کرد. به عبارت دیگر بسیاری از خانواده‌ها معتقدند کثرت فرزند موجب پایین آمدن سطح کیفی تربیت و پیشرفت فرزندان

خواهد شد لذا از فرزندآوری اجتناب کرده و به تک‌فرزندی بسنده می‌کنند.

اسلام درباره اهمیت جایگاه کمیت یا کیفیت گاهی تکیه‌اش بر کمیت است؛ مانند تعداد شرکت‌کنندگان نماز جماعت که وجود هر نفر درافزایش ثواب نماز تأثیرگذار می‌باشد. پیامبر اکرم (ص) می‌فرماید: "ما کثر فهو احب الی الله" (متقی هندی، کنز العمال، ج ۸، ص ۲۸۵) یا در جایی که از جانب معصوم عدد خاصی برای ذکر تعیین شده است؛ مانند حدیثی که از پیامبر گرامی اسلام (ص) روایت شده که می‌فرماید: «من اخلص لله اربعین یوما فجزاله ینابیع الحکمه من قلبه علی لسانه»؛ هر کس چهل روز تنها برای خداوند متعال اخلاص ورزد، خداوند چشمه‌های حکمت را از قلب بر زبانش جاری می‌سازد (محمّدی ری‌شهری، میزان الحکمه، ج ۴، ص ۱۹۳۰).

و گاهی تکیه‌اش بر کیفیت و احسن بودن عمل است همچنان که می‌فرماید: "الذی خلق الموت و الحیات لیلوکم احسن عملا" (ملک: ۲) خداوند مرگ و زندگی را بیافرید تا شما را بیازماید که کدام یک کاری بهتر می‌کنید. از امام صادق (ع) درباره تفسیر این آیه شریفه آمده است: "لیس یعنی اکثر عملا و لکن اصوبکم عملا"؛ مقصود عمل بیشتر نیست بلکه عمل بهتر است. (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۵۴، ص ۱۰)

و گاهی نیز تکیه بر هر دو دارد همچنان که می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اذْكُرُوا اللَّهَ ذِكْرًا كَثِيرًا» منظور از ذکر کثیر توجه قلبی و ذکر زبانی هر دو می‌باشد (طبرسی، مجمع‌البیان فی تفسیر القرآن، ج ۸، ص ۵۶۸).

بدیهی است که تربیت فرزند صالح جزء آرمان‌ها و اهداف اسلام است؛ اما با توجه به این‌که آموزه‌های دینی در کنار کیفیت تربیت بر کمیت فرزندان نیز تأکید دارند لذا رسیدن به این آرمان از طریق کمیت و تعدد فرزندان محقق می‌شود. چنانچه روایات بی‌شماری دال بر کثرت عدد و رجحان کثرت نسل در منابع معتبر وارد شده است مانند روایاتی که اشاره به مباحثات پیامبر (ص) در روز قیامت بر امت خویش دارند (حر عاملی، ۱۳۷۴، ج ۲۱، ص ۳۵۷). از سوی دیگر نگاه دوقطبی به مسئله جمعیت نگاهی سنجیده نیست، چراکه کمیت و کیفیت دو قطب متقابل هم نیستند بلکه همسو و در کنار هم می‌باشند؛ بنابراین تعادل بخشی کمی و کیفی جمعیت در موازات یکدیگر می‌تواند در تعالی و رشد جامعه تأثیرگذار باشد.

برخلاف نظر اسلام در جامعه کنونی این تفکر وجود دارد که کثرت فرزند موجب پایین آمدن سطح کیفی تربیت و پیشرفت فرزندان خواهد شد و بر این اساس تمایل به تک‌فرزندی رواج گسترده‌ای یافته است. در ادامه آیات و روایاتی که بر افزایش کمی فرزندان تأکید دارند بیان می‌شوند:

۱. فرزند و جمعیت نعمت و مدد الهی

خداوند در قرآن کریم وجود فرزندان و جمعیت زیاد را از نعمت‌های خویش برای یاری‌بندگان برمی‌شمارد، لذا می‌فرماید: «و شما را با خواسته‌ها و پسران مدد می‌رساند و برای شما بوستان‌هایی می‌آفریند و نهرها برای شما پدید می‌آورد» (نوح: ۱۲). علامه طباطبایی (ره) ذیل این آیه می‌فرماید: «امداد به معنای رساندن مدد به دنبال مدد دیگر

است و مدد به معنای هر چیزی است که آدمی را در رسیدن به حاجتش کمک کند و اموال و فرزندان نزدیک‌ترین کمک‌های ابتدائی برای رسیدن جامعه انسانی به هدف‌های خویش است. همان‌طور که از آیه دریافت می‌شود فرزندان یاور و مددکار پدر و مادر هستند که از سوی خداوند برای یاری آنان فرستاده شده‌اند. (طباطبائی، ۱۳۷۸، ج ۸، ص ۲۳۸)

و در جای دیگر می‌فرماید: «و به یاد بیاورید زمانی را که افراد کمی بودید و او شما را فزونی داد و ببینید که عاقبت فساد کنندگان چگونه است» (اعراف: ۸۶). علامه طباطبائی (ره) در ذیل این آیه نیز می‌فرماید: «این جمله مردم را به یاد یکی از نعمت‌های بزرگ خدا می‌اندازد و آن مسئله ازدیاد نسل است. انسان برخلاف سایر حیوانات زندگیش اجتماعی است، پس واضح است که برای چنین موجودی کثرت افراد، نعمت بسیار بزرگی است، چون هرچه افراد اجتماعش افزوده شود نیروی اجتماعیش بیشتر و فکر و اراده و عمل آن قوی‌تر می‌گردد و به دقایق بیشتر و باریک‌تری از حوائج پی برده و در حل مشکلات و تسخیر قوای طبیعت راه‌حل‌های دقیق‌تری را پیدا می‌کند. روی این حساب مسئله ازدیاد نسل و این‌که عدد افراد بشر به تدریج رو به فزونی می‌گذارد خود یکی از نعمت‌های الهی و از پایه‌ها و ارکان تکامل بشر است. آری، هیچ‌وقت یک ملت چند هزار نفری نیروی جنگی و استقلال سیاسی و اقتصادی و قدرت علمی و ارادی و عملی یک ملت چند میلیونی را ندارد.» (طباطبائی، ۱۳۷۸، ج ۸، ص ۲۳۸)

۲. کثرت فرزندان رحمت الهی

یکی از فضایل و برکات کثرت اولاد نزول رحمت الهی می‌باشد. خداوند حکیم در قرآن شریف از نعمت و منت خود بر حضرت ایوب (ع) یاد کرده است که پس از موفقیت آن حضرت در آزمونی سخت، خداوند فرزندان از دست‌رفته‌اش را به وی بازگرداند و تعداد آن‌ها را دو برابر نمود: «پس [دعای] او را اجابت نمودیم و آسیب وارده بر او را برطرف کردیم و کسان او و نظیرشان را همراه با آنان [مجدداً] به وی عطا کردیم [تا] رحمتی از جانب ما و عبرتی برای عبادت‌کنندگان باشد.» (انبیاء: ۸۴)

از آنجاکه در این آیات افزون شدن تعداد فرزندان نشانه رحمت خداوند دانسته شده است، می‌توان عموم و کلیت فی‌نفسه این حکم در همه شرایط و زمان‌ها را استنباط نمود؛ بنابراین کثرت فرزندان از نشانه لطف و رحمت الهی بر بندگان می‌باشد.

۳. ازدواج با زن ولود

از اهداف مهم ازدواج، استمرار نسل انسانی و پرورش افراد سالم برای آینده جامعه است، پیامبر اکرم (ص) می‌فرماید: «همانا بهترین زنان شما زنانی هستند که بسیار بچه‌زا، مهربان و باعفت باشند» (کلینی، ۱۴۱۲، ج ۵، ص ۳۲۴). (ولود) در عربی صیغه مبالغه است یعنی زنی که فرزند زیاد بیاورد و نسبت به ازدواج با چنین زنی توصیه زیادی شده است.

همچنین پیامبر اکرم (ص) می‌فرماید: «آیا نمی‌خواهید شما را خبر دهم که کدامیک از زنان شما اهل بهشت است؟ زنی که شوهر دوست، بسیار بچه‌زا و وفادار باشد» (صدوق، ۱۳۶۳، ج ۳، ص ۳۸۹، ح ۴۳۶۷). در سفارشی امام زین‌العابدین (ع) نیز فرمودند: «بدانید همانا زن سیاه چهره‌ای که فرزند زیاد بیاورد نزد من محبوب‌تر است از زنی که زیباست ولی نازا». (حر عاملی، ۱۳۷۴، ج ۲۰، ص ۳۲۴)

توصیه و سفارش اکید معصومین (علیهم‌السلام) بر ازدواج با زنان ولود و نهی از ازدواج با زنان نازای زیارو نشان از اهمیت زادوولد و تولید نسل دارد. در جامعه‌ای که اکثریت آن با کفار و مشرکان بود، اگر مسلمانان در ازدواج تنها به زیبایی می‌اندیشیدند، جمعیت آنان در اقلیت می‌ماند و نسبت به مسئله ازدیاد جمعیت امت اسلام، غفلت صورت می‌پذیرفت.

۴. استحباب کثرت اولاد

روایاتی از پیامبر اکرم (ص) که در آن‌ها به مسلمانان توصیه شده است که در کثرت عددتان بکوشید چون من در مقابل سایر امم به کثرت شما مباهات می‌کنم. در روایتی با سند صحیح در کافی به نقل پیامبر اکرم (ص) آمده است که حتی فرزند سقط شده شما هم مورد مباهات من است. (کلینی، ۱۴۱۲، ج ۵، ص ۳۳۴)

طبق ظاهر روایات تکثیر نسل عملی مستحب است و هر چه انسان بر تعداد فرزند بیفزاید رضایت خدا و پیامبر (ص) را تأمین کرده است. این امر مستلزم آن است که انسان هیچ‌گونه تحدیدی را در تولید مثل اعمال نکند چراکه موجب ترک مستحب و ارتکاب عمل مکروه است. از سوی دیگر برخی فقها کنترل و تحدید نسل را مخالف فلسفه اسلام و روح ایمان دانسته و با آن مخالفت کرده‌اند و قاعداً دخالت دولت‌ها در این عرصه نیز به عقیده آنان دخالتی نابجا و مخالف موازین شرع است (تهرانی، ۱۴۱۵، ص ۲۳۸-۲۴۱). در مقابل برخی دیگر از فقها به دلیل رشد بالای جمعیت و مشکلات اقتصادی و تربیتی با تنظیم خانواده موافق‌اند و دولت‌ها را موظف به برنامه‌ریزی و کنترل جمعیت می‌دانند (مکارم شیرازی، ۱۳۸۰، ص ۸۴۰). در این بین عده‌ای معتقدند تنظیم خانواده با شرایطی پذیرفته می‌شود و حکومت‌ها مجاز به اجبار و دخالت در امر تحدید نسل نیستند (موسوی اردبیلی، ص ۸۳۳). از بررسی این ادله و دقت در آن‌ها چنین برمی‌آید که تکثیر نسل هرچند فی‌نفسه مستحب است اما مقیدات و مخصصاتی دارد که باید آن‌ها را در نظر گرفت و احکام ثانوی را نیز باید مورد لحاظ قرار داد و از موارد تراحم آن با برخی احکام دیگر غافل نماند (رجبیان، ۱۳۸۶، ص ۷۵).

آسیب‌های والدین تک‌فرزند

مطالعات روان‌شناختی و جامعه‌شناختی بیانگر آن است که تک‌فرزندی آسیب‌هایی را برای والدین به همراه دارد. از آنجاکه این آسیب‌ها گسترده و شامل عرصه‌های گوناگون می‌باشند در این تحقیق به برخی از آن‌ها خواهیم پرداخت.

آسیب‌های جسمی

یکی از آسیب‌هایی که والدین تک‌فرزند با آن روبرو می‌باشند آسیب جسمی است. بالطبع جسم مادر به دلیل ارتباط نزدیک‌تر با کودک بیشتر درگیر این آسیب‌ها خواهد بود. فرزندآوری برای زنان اهمیت بیشتری دارد و بدن آن‌ها برای تغذیه و پرورش کودکان آمادگی دارد. داشتن فرزند برای زن بسان حکم سلامتی برای اوست و با تأمین شادابی، او را به زندگی امیدوار و سرگرم می‌کند. تحقیقات جدید نشان می‌دهد که پدر و مادر شدن، آن‌ها را از خطر ابتلا به سرطان و بیماری‌های قلبی محافظت می‌کند. این پژوهش‌ها که روی یک و نیم میلیون نفر انجام شده است، نشان می‌دهد که داشتن فرزندان پرشمار، خطر ابتلا به سرطان سینه را در زنان کاهش می‌دهد (ساطوریان، ابعاد تربیتی روان‌شناختی تغییرات جمعیتی، ص ۲). افزون بر این دانشمندان بر اساس برخی آزمایش‌ها و تحقیقات اعلام کرده‌اند مادرانی که تازه صاحب فرزند شده‌اند، حافظه بصری قوی‌تری دارند و در مقایسه با زنانی که فرزند ندارند بهتر می‌توانند اطلاعات اطراف خود را دریافت کنند و به خاطر بسپارند. همچنین نتایج این تحقیقات حاکی از آن است که داشتن فرزند موجب بهبود عملکرد حافظه مادران می‌شود. ممکن است این مسئله در میان مادران احساس نشود اما عملکرد حافظه آن‌ها با قبل تفاوت دارد و بارداری موجب می‌شود مغز آن‌ها عملکرد بهتری داشته باشد (ساطوریان، ۱۳۹۳، ص ۲).

همچنین درباره نقش شیردهی در سلامت مادران تحقیقات زیادی انجام شده است. یکی از بیماری‌های مبتلا به و از عوامل مرگ‌ومیر خانم‌ها حتی در کشورهای پیشرفته علاوه بر سرطان پستان، «سرطان تخمدان» و «سرطان دهانه رحم» است. از آنجایی که شیردهی مستقیماً با اندام‌های نامبرده در ارتباط است، شیردهی طولانی مدت خطر ابتلا به این سرطان را کاهش می‌دهد.^۱ بنابراین بارداری، شیردهی و زایمان نقش مهمی در سلامت مادران دارد و مادرانی که فرزندان بیشتری دارند از این فرصت سلامتی بهره‌مندتر می‌باشند.

آسیب‌های روانی

از آنجاکه جسم و روان رابطه‌ای تنگاتنگ دارند و هر آنچه بر جسم تأثیرگذار باشد روان را نیز متأثر می‌سازد تک‌فرزندی بر روان والدین نیز تأثیرگذار می‌باشد و آسیب‌ها و چالش‌هایی را به وجود می‌آورد.

۱. اضطراب و استرس

از نظر آموزه‌های دینی بسیاری از دلهره‌ها و اضطراب‌ها از آنجا ناشی می‌شود که انسان بینش و نگرشی صحیح به

1. American Institute for Cancer Research/ World Cancer Research Fund, Food, Nutrition, Physical Activity and the Prevention of Cancer: a Global Perspective توسط ۶ اکتبر ۲۰۱۵ Wayback Machine بایگانی شده در

مسائل زندگی ندارد. از سوی دیگر هرچه قدر تعلقات و وابستگی‌ها بیشتر باشد، زمینه نگرانی و اضطراب بیشتر است. در مقایسه والدین تک و چند فرزند، هیوز، ناپ و میلر معتقدند تعداد فرزندان بر نحوه زندگی زوجین، روابط زناشویی و تنش‌های والدین تأثیر می‌گذارد. در کنار آسیب‌هایی که خود کودک تک‌فرزند با آن‌ها روبه‌رو می‌شود، آسیب‌های متعددی هم خانواده این کودکان را تهدید می‌کند. این خانواده‌ها همواره نگران بوده و فکر می‌کنند که اگر مشکلی برای این یک کودک به وجود بیاید، هیچ کاری از آن‌ها ساخته نیست. این والدین همواره زندگی پر استرسی دارند و از به وجود آمدن یک اتفاق، نگران هستند. خانواده‌هایی هم که توانایی داشتن فرزند بیشتر را نداشته‌اند، همواره در حسرت این موضوع به سر می‌برند که چرا ما نباید فرزندان بیشتری داشته باشیم (شاملو، ۱۳۸۶، ص ۹۶).

این نگرانی و وابستگی شدید والدین و تک‌فرزند زمینه اضطراب و استرس و فشارهای روانی را ایجاد خواهد کرد. والدین و فرزند هر دو احساس می‌کنند نیازهای شدیدی به یکدیگر دارند و در صورتی که قدرت باروری را از دست داده باشند، با از دست دادن احتمالی این فرزند یا آسیب دیدن احتمالی او آن‌ها تمام فرصت بودن کسی که می‌توانست روزهای تنهایی سالمندی را کنارشان و این دوران را بگذرانند قابل تحمل و لذت بخش نماید از دست می‌دهند. (شاملو، ۱۳۸۶، ص ۱۱۵)

ترس از دست دادن تک‌فرزند باعث می‌شود این کودکان به صورت محدودتر رشد نموده و والدین اجازه ندهند با گروه همسالان بازی و تعامل داشته باشند و به طور مستقل کارهای روزمره خود را انجام دهد. این قبیل والدین مانع رشد طبیعی و همه‌جانبه فرزندشان می‌شوند و به او فرصت نمی‌دهند تا مهارت‌های مختلف زندگی را بیاموزد، درحالی‌که در خانواده‌های پرجمعیت توجه والدین به‌ویژه مادر معطوف به فرزندان است و بیشتر وقت وی صرف تربیت آنان می‌شود. از این‌رو فرصتی برای افکار منفی یا رفتار بیهوده باقی نمی‌ماند. زمانی که تعداد فرزندان بیشتر از یک فرزند باشد، پدر و مادر در تلاش مستمر برای رسیدگی به فرزندان از زندگی پویا و پرتحرک لذت می‌برند و هنگام فعالیت خویش هم‌زمان آثار و برکات تلاش خود را در شورونشاط حاصل از رشد و بالندگی فرزندان خود مشاهده می‌کنند.

۲. افسردگی

جامعه، آن هنگام سلامتی و نشاط دارد که خانواده‌ها در نشاط و آرامش به سر ببرند و خمودگی و افسردگی نداشته باشند؛ نشاط در خانواده نیز مؤلفه‌هایی دارد که باید موردتوجه قرار بگیرد. ازجمله عوامل زیاده‌شدن نشاط در زندگی مشترک، فرزندآوری است؛ حضرت رسول اکرم(ص) در تعبیری زیبا می‌فرماید: "فرزند صالح گلی از گل‌های بهشت است (کلینی، فروع کافی، ج ۶، ص ۳، ح ۱۰). همان‌طور که گل‌های بهشتی باعث سرور و شادی اهل بهشت می‌شوند، فرزند صالح نیز این مسئله را در بردارد.

اندیشه فرزندآوری یکی از فرایندهای زیربنایی و بسیار مؤثر در ایجاد آرامش و تحکیم و کارآمدی خانواده است؛ به‌گونه‌ای که می‌توان ادعا کرد نخستین و مهمترین هنجار جایگاه پدری و مادری، پذیرش فرزندآوری است.

نوع نگرش والدین به جهان و انسان اعتقاد به اینکه پدر یا مادر بودن امری مقدس و دارای مسئولیت الهی است و نگاه به فرزند به عنوان نعمت، هدیه و امانت الهی نقش فراوانی در ایجاد رابطه مطلوب و مؤثر با فرزند و حفظ آن دارد (سراقی، ۱۳۹۴، ص ۸۵). در روایات نیز فرزندآوری به ثمره وجود والدین تعبیر شده است. امام سجاده (ع) فرمودند: باید بدانی که او (فرزند) از تو و ثمره وجود توست (صحیفه سجاده، دعای ۲۵). در نتیجه داشتن ثمرات نیکو عامل دلگرمی والدین و تداوم حیات مشترک آن‌هاست و آرامش‌بخش زندگی و موجب اعتماد به نفس می‌شود.

هورنای از احساس بسیار دلنشین حاملگی یک موجود زنده برای مادری، سعادت و لذت وصف‌ناپذیر تولد نوزاد، در آغوش کشیدن فرزند برای اولین بار پس از تولد، احساس رضایت خاطر از شیر دادن به کودک و سعادت و خوشی تمام دوره‌ای که در طول آن، کودک نیاز به حمایت و مراقبت مادر دارد، سخن می‌گوید و تجربه مادر شدن را بسیار دلنشین و ویژه توصیف می‌کند که به زنان عزت نفس می‌دهد (کارن هورنای، ۱۳۸۱، ص ۳۵-۴۱).

از سوی دیگر تولد فرزندان در خانواده احساس مفید و مؤثر بودن را برای والدین به ارمغان می‌آورد. از جمله اهداف تشکیل خانواده آرامش روانی و تولیدمثل است. این اهداف به زوجین انرژی و نشاط می‌دهد تا به زندگی ادامه دهند. در نتیجه داشتن ثمرات نیکو عامل دلگرمی والدین و تداوم حیات مشترک آن‌هاست و آرامش‌بخش زندگی و موجب اعتماد به نفس می‌شود. پژوهشی که «برتراند راسل» انجام داده است، نشاط و شادمانی حاصل از تولد فرزند در خانواده را تأیید می‌کند. گذراندن وقت با کودک و بازی با او یکی از بهترین لحظاتی است که می‌تواند به پدر و مادر انرژی و نشاط ببخشد (کارن هورنای، ۱۳۸۱، ص ۳۵-۴۱). فرزندان نه تنها شالوده زندگی زناشویی را استحکام می‌بخشند، بلکه عامل مؤثری در لذت بردن والدین از زندگی هستند و با افزایش این لذت‌ها سلامت و بهداشت روانی همسران نیز تأمین می‌شود (جمعی از نویسندگان، ۱۳۹۵، ص ۱۸۷).

هرچه تعداد فرزندان در خانواده بیشتر باشد انرژی و نشاط بیشتری در خانواده ایجاد می‌شود. با ایجاد نشاط در خانواده ناراحتی‌های روانی و افسردگی در میان والدین کمتر می‌شود. ویل دورانت می‌گوید: «زندگی زناشویی بدون فرزند پژمرده است و پس از فرزنددار شدن شکفته می‌شود» (دورانت، ۱۳۸۶، ص ۱۸۷).

این درحالی‌که است که والدین تک‌فرزند بیشتر از والدین چند فرزند در معرض افسردگی قرار دارند. هرچه وابستگی و پیوند انسان‌ها قوی‌تر باشد پذیرش جدایی و دوری دشوارتر خواهد بود واضح اینکه اگر قرار باشد تک‌فرزند ادامه یابد تبعاً هر زوجی باید متوسط بین یک یا دو فرزند داشته باشد و بعد از مدتی آن فرزندان نیز ازدواج می‌کنند، در نتیجه از والدین جداشده، والدین آن‌ها تنها شده و دچار افسردگی می‌گردند.

افسردگی ناشی از بزرگ شدن و ازدواج فرزندان در خصوص خانواده‌های تک‌فرزند با شدت بیشتری احساس می‌شود، خصوصاً خانواده‌هایی که در سال‌های اول ازدواج تنها فرزندان خود را به دنیا آورده باشند، در سن حدود ۴۰ سالگی دوباره تنها می‌شوند. تعداد فرزندان بیشتر در نسل‌های قبل می‌توانستند مانعی برای افسردگی باشند

(ترکان، ۱۳۹۶، ص ۲۳). از سوی دیگر در صورتی که تک‌فرزند به علت تنهایی و نداشتن خواهر و برادر دچار مشکلاتی شود، این والدین هستند که دچار عذاب وجدان می‌شوند و خود را مقصر اصلی قضیه می‌دانند. از این رو به سرزنش خود می‌پردازند و آرزو می‌کنند که کاش فرصتی برای جبران این ضایعه می‌داشتند. این مسائل می‌تواند دغدغه خانواده‌ها را بیشتر کرده و زمینه فشارهای روانی و استرس‌ها و در نهایت افسردگی را ایجاد سازد.

آسیب‌های تربیتی

تربیت کودکان تک‌فرزند با کودکانی که دارای خواهر و برادر می‌باشند متفاوت است. والدین تک‌فرزند در زمینه اخلاقی و تربیتی نیز با آسیب‌هایی روبرو هستند.

۱. رواج فرهنگ فرزند سالاری

تک‌فرزند بودن کودک موجب معطوف شدن توجه کامل والدین به وی شده و به مرور این فرزندان کانون توجه خانواده می‌شوند. معمولاً در خانواده‌های تک‌فرزند پدر و مادر از نظر عاطفی به شدت به او وابسته می‌شوند به طوری که احساس می‌کنند باید همه خواسته‌های کودک را برآورده سازند. برآورده ساختن این خواسته‌ها در برخی موارد به اندازه‌ای می‌رسد که والدین ناخواسته برای راضی کردنش به او باج می‌دهند. همین آموزه باج‌گیری در زندگی آینده کودک نیز تأثیرگذار است. این توجه به مهم‌ترین عارضه تک‌فرزندگی یعنی «فرزندسالاری» منجر می‌شود. فرزندسالاری یعنی وضعیتی که در آن فرزندان مستقیم یا غیرمستقیم محور و اساس تصمیم‌گیری و فعالیت‌ها و مجموعه امور مختلف خانواده قرار می‌گیرند و همه مسائل خانواده به طور کلی بر اساس نیازها و خواسته‌ها و اهداف آنان استوار می‌گردد (مهدوی، ۱۳۸۱، ص ۸۸). درگذشته فضای حاکم بر خانواده‌های پرجمعیت، غالباً بر محور احترام و اقتدار والدین بود ولی امروزه با کوچک شدن خانواده‌ها و رشد تک‌فرزندگی، به تدریج فرزندسالاری پررنگ‌تر می‌شود (ساطوریان، در دست چاپ، ص ۸).

از ویژگی‌های پدیده فرزندسالاری می‌توان به محوریت یافتن خواسته‌ها و شادکامی فرزندان، بالا رفتن انتظارات آن‌ها، افزایش حساسیت و مراقبت‌های والدین از فرزندان، افزایش هزینه‌هایی که والدین برای فرزندان خود مصرف می‌کنند و تبدیل شدن فرزندان به انسان‌های پرهزینه‌ای اشاره کرد که به طور دائم باید در کانون توجه والدین باشند. طبیعتاً در این شرایط تمایل به فرزندآوری و تعدد فرزند کاهش می‌یابد؛ زیرا توانایی برآوردن انتظارات بالای فرزندان و رسیدگی و توجه بیش از حد والدین به آن‌ها مانعی برای داشتن فرزندان بیشتر خواهد بود. الگوی تربیتی این خانواده‌ها به فردگرایی نزدیک است، اما مدیریت خانواده‌های پرجمعیت به دلیل محدودیت امکانات، به انواعی از نظم نیازمند است که نتیجه آن زندگی‌های موفق خواهد بود (مرکز تحقیقات زن و خانواده، تحولات جمعیتی ایران، ص ۴۴).

مضافاً بر این که فرزندسالاری در نهایت به ضرر کودک تمام می‌شود چراکه چنین فردی زمانی که وارد اجتماع

می‌شود، انتظاری که از مردم دارد برآورده نمی‌شود و مردم مانند پدر و مادر انتظارات او را برآورده نمی‌سازند در نتیجه از سوی جامعه طرد می‌شود. آدلر می‌گوید: «اطفالی که چنین پرورش یافته‌اند، طبیعتاً می‌خواهند همه آن‌ها را دوست بدارند؛ اما به نتیجه مطلوب نمی‌رسند و مورد انزجار واقع می‌شوند» (ژیلبرت روبن، ۱۳۳۴، ص ۸۲).

آموزه‌های اسلامی و متون دینی ما را به رعایت حد میانه و آزادی مشروط در روابط بین اعضا خانواده و از جمله رابطه والد فرزند توصیه می‌کند زیرا در فرهنگ اسلام آنچه در اختیار انسان است، از جمله فرزندان، امانت الهی‌اند و خانواده مسئول حفظ سلامت، رشد و سعادت آن‌هاست. همان‌طور که امام سجاده (ع) در رساله خود می‌فرماید: «حق فرزندان آن است که بدانی او از تو است و با همه بدی‌ها و خوبی‌هایش در این دنیا به تو وابسته است و در سرپرستی‌اش مسئول خوب تربیت کردن و هدایتش در راه اطاعت خدا هستی.» (رساله حقوق امام سجاده (ع)، ذیل عنوان حق فرزند)

بنابراین همان‌طور که فرزندان وظایف و مسئولیت‌های زیادی در برابر والدین خود دارند و چند بار در قرآن به اطاعت از والدین و نیکی به آن‌ها دستور داده شده است، «و بالوالدین احسانا» (اسراء: ۲۳)، پدران و مادران نیز در برابر تعلیم و تربیت فرزندان خود و رشد و کمال آن‌ها مسئول و مکلف هستند و به آن‌ها اجازه داده نمی‌شود فرزندان خود را در آزادی مطلق و بی‌عنان رها کنند و آن‌چنان سهل گیر شوند که فرزندان بتوانند به هر کاری که مایلند دست زنند و بدون هرگونه مراقبت و نظارتی به هرکجا که می‌خواهند سرکشی کنند و به هر اقدامی که دلشان بخواهد، مبادرت ورزند. «فانک مسئول عما ولیته» تو مسئول آنچه در اختیارت قرار داده‌اند هستی (حرانی، ۱۳۶۳، ص ۲۶۹).

نکته قابل‌توجه این‌که قرآن به این نکته اشاره دارد که اگر خانواده خود را به حال خود رها کنید، خواه‌ناخواه به‌سوی آتش دوزخ پیش می‌روند، «قوا و اهلیکم ناراً» (تحریم: ۶) ای کسانی که ایمان آورده‌اید! خود و خانواده خویش را از آتشی که هیزم آن انسان‌ها و سنگ‌ها هستند، نگهدارید این شما هستید که باید آن‌ها را از سقوط و انحراف از خط مستقیم الهی حفظ کنید و موظف به نظارت و مراقبت از فرزندان و اهل خانواده خود هستید و نباید به بهانه تأمین و توجه به نیازهای مختلف، آن‌ها را رها ساخت.

۲. کاهش انسجام خانواده

وجود فرزندان در خانواده موجب استحکام آن می‌باشد. والدین پس از تولد فرزند، به لحاظ ایجاد شبکه ارتباطی جدید، جاذبه‌ها، دل‌مشغولی‌ها و سرگرمی‌های تازه‌ای را تجربه می‌کنند که مرکز ثقل آن فرزند است. عدم حضور فرزند در محیط خانواده، یکی از عوامل ناپایداری در زندگی مشترک به شمار می‌آید. از آنجاکه بخشی از تعارض‌های زن‌شویی حاصل اختلاف زوجین در اهداف زندگی است، حضور فرزندان، موجب همگرایی اهداف زوجین و در نتیجه، کاهش تعارض‌های آن‌ها می‌شود. از این‌رو، برخی از صاحب‌نظران معتقدند: «فرزند موجب

افزایش وابستگی زوجین به همدیگر و افزایش اعتماد در زندگی می‌شود و انگیزه آنان را برای کسب موفقیت در زندگی دوجندان می‌سازد» (فریدمن و همکاران، ارزش جمعیت شناختی کودکان، ص ۳۹۴، نقل از هراتیان و همکاران، «بررسی تفاوت تعارض زناشویی، باورهای غیرمنطقی، روان‌بنه‌های ناسازگار اولیه و پابندی مذهبی والدین دارای یک و چند فرزند»، ص ۱۱۰).

مطالعات نشان می‌دهد که طلاق میان افراد متأهل بدون فرزند، بیشتر از متأهلین دارای فرزند است. درواقع فرزندان با حضور خود به‌عنوان سدی محکم در مقابل سیل ویرانگر حوادث، از حریم کانون خانواده محافظت می‌کنند (قدسی و دیگران، ۱۳۹۰، ص ۱۳). همچنین در خانواده‌های تک‌فرزند میزان وابستگی دارای افراط و تفریط است. به این معنا که گاهی اوقات فرزند به سبب اشتغال والدین مورد بی‌مهری و بی‌توجهی قرار می‌گیرد و گاهی نیز در کانون توجه بیش‌ازحد والدین است. تعدد فرزندان می‌تواند سبب ایجاد هماهنگی لازم و شکل‌گیری وابستگی متعادل باشد.

چنانچه برای تک‌فرزند مشکلی پیش بیاید و یا در صورت فقدان گرمی و صمیمیت بین والدین کم شده، زمینه برای ضعف بنیان خانواده و از بین رفتن کانون خانواده فراهم می‌شود، چراکه تمام سرمایه زندگی مشترک از بین رفته است (دژبرار، ۱۳۹۶، ص ۹۹). وارد آمدن آسیب به تک‌فرزند مثل معلولیت یا مرگ می‌تواند بنیاد خانواده را نابود کند. این امر گاه نیز موجب عدم امکان ادامه حیات اجتماعی برای پدر و مادر می‌شود. در بسیاری موارد امکان فرزندآوری نیز برای پدر و مادر فراهم نیست و سرنوشت نامعلومی را برای آن‌ها رقم می‌زند. این در صورتی است که وجود فرزند یا فرزندان دیگر از این آسیب جلوگیری می‌کنند (ترکان، ۱۳۹۶، ص ۳۴).

از سوی دیگر چنانچه تک‌فرزند از خانواده به هر علتی جدا شود، والدین انگیزه خود را از دست می‌دهند و چه‌بسا دچار مشاجرات شوند.

مسئله مهم دیگری که باید بدان اشاره کرد بحث نگهداری از سالمندان است. در صورتی که تعداد سالمندان از تعداد فرزندان بیشتر شود مسئولیت نگهداری آنان به عهده فرزندان است که یا در منزل از آنان نگهداری کنند و یا اینکه به مرکز نگهداری بپارند. نگهداری سالمند به دلیل نیاز به نیروی کار و نبود شرایط در منزل دشوار خواهد بود. در نتیجه سالمند ناچاراً باید به مراکز نگهداری سپرده شود که این مسئله ارتباط خویشاوندی و کانون خانواده را با مشکل روبرو می‌کند و موجب کاهش استحکام خانواده می‌شود (ترکان، ۱۳۹۶، ص ۳۵).

۳. وقت‌گیر بودن

والدین باید جهت تربیت صحیح فرزندان برای آنان وقت "مفید" بگذارند. وقت گذاشتن هنگام صرف غذا و یا تماشای تلویزیون برای کودک کافی نیست، بلکه باید زمان اختصاصی برای صحبت کردن و بازی با آن‌ها قرار دهند و ساعات باکیفیت و مفیدی را با آنان سپری کنند تا بتوانند به شناخت کافی برسند. صحبت کردن با کودکان می‌تواند

اطلاعات مهمی را در مورد اتفاقاتی که در طول روز برای کودک افتاده در اختیار والدین قرار دهد. البته منظور از زمان باکیفیت همیشه به معنای صحبت کردن با کودکان نیست، بلکه نشستن کنار کودک و گذراندن لحظات در کنار او نیز مفید بوده و حس امنیت و آرامش برای کودک در پی خواهد داشت.

یکی از معایب بزرگ تک‌فرزندگی، وقت‌گیر بودن آن است. برخلاف تصور برخی که گمان می‌کنند بچه‌های زیاد وقت بیشتری را از والدین می‌گیرند، وجود چند فرزند موجب می‌شود والدین وقت کمتری را برای بازی با بچه‌ها بگذارند. بهترین کسانی که وقت بچه‌ها را پر می‌کنند، خود بچه‌ها هستند. کودک به‌ویژه در زیر هفت سال، یا در حال بازی است یا در حال خوردن و آشامیدن و یا در حال استراحت. لذا وقت قابل‌توجهی از شبانه‌روز کودک به بازی اختصاص می‌یابد. در خانواده‌های تک‌فرزند، تمام بار این حجم از بازی روی دوش پدر و مادر است، درحالی‌که به‌طور طبیعی بسیاری از والدین حوصله و وقت کافی برای این اندازه بازی با کودک را ندارند (عباسی ولدی، ۱۳۹۴، ص ۴۶).

بدیهی است که والدین برای تربیت کودک باید وقت و زمان صرف کنند. والدین تک‌فرزند علاوه بر این‌که باید وظیفه پدر و مادری خود را انجام دهند و برای کودک خود وقت بگذارند، ناگزیرند جایگزین دوست و همبازی کودک هم باشند که این مستلزم قرار دادن زمان، نیرو و انرژی بی‌شمار است.

آسیب‌های معنوی

علاوه بر تمام آسیب‌های پیش‌گفته شاید بتوان مهمترین آسیب والدین تک‌فرزند را آسیب‌های معنوی بیان کرد.

۱. محرومیت از فضایل و برکات

خداوند متعال به‌وسیله فرزند صالح بستر رشد و تکامل معنوی والدین را فراهم ساخته است؛ به‌گونه‌ای که هر تلاشی که آنان در راستای خوشنودی خدا برای تربیت و رشد و تکامل فرزندان انجام می‌دهند، مستحق ثواب و پاداش بزرگی است. در روایت پاداش بوسیدن فرزند برابر با درجات بهشتی دانسته شده است (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۱۰۴، ص ۹۲).

فرزندان، سرمایه معنوی والدین در دنیا و آخرت به شمار می‌آیند؛ فرزند صالح از عوامل صعود معنوی است به‌گونه‌ای که وجود آن‌ها باعث جلب آمرزش و نزول رحمت الهی می‌گردد. امام صادق (ع) فرمودند: «خداوند مرد را به خاطر شدت محبت و دوستی فرزندش مورد رحمت خویش قرار می‌دهد» (حر عاملی، ۱۴۱۲، ج ۷، ص ۳۰۴) و نیز پیامبر اکرم (ص) فرمودند: «فرزندان خود را کرامت کنید و با آداب نیکو با آن‌ها معاشرت نمایید تا آمرزیده شوید» (متقی هندی، کنز العمال، ج ۱۶، ص ۴۵۶).

از سوی دیگر درد و رنج فرزند و سختی‌هایی که والدین در این راه تحمل می‌کنند سبب آمرزش آنان می‌شود.

امام علی (ع) نیز درباره بیماری فرزند می‌فرماید: «بیماری فرزند، کفاره گناهان پدر و مادرش است» (متقی هندی، ص ۳۵۷، ح ۲۷۲۹۱).

همچنین، پیامبر گرامی اسلام (ص) فرمود: «فرزند، [پاره] جگر مؤمن است. اگر زودتر از پدر بمیرد، شفیع پدر شود و اگر دیرتر بمیرد، برای پدر طلب آمرزش کند و خدا او را (به واسطه دعای فرزند) بیامرزد» (متقی هندی، ح ۱۷۶۸۸).

همچنین وجود فرزند موجب می‌شود تا انحرافات و نابسامانی‌های اخلاقی والدین اصلاح شود. امام سجاده (ع) در صحیفه سجاده بر اهمیت و تربیت فرزند ویژگی‌های متعددی را بیان فرموده‌اند از جمله در فرازی آمده است: «و خلل کار مرا به دست آن‌ها مرمت کن» (صحیفه سجاده، دعای ۲۵).

بنابراین به نظر می‌رسد که تجربه پدر و مادری در فراهم کردن امکانات به‌سوی تعالی و رشد شخصیت افراد دارای اهمیت ویژه باشد. وجود همین تجربه‌ها مجموعه کاملی از ارزش‌ها را به ساختار شخصیت والدین می‌افزاید. در نتیجه هرچه تعداد فرزندان بیشتر باشد زمینه رشد و شکوفایی معنوی والدین مهیاتر می‌شود.

از سوی دیگر آموزه‌هایی که در روایات بر آن تأکید شده، فرزند موجب برکت در خانواده است. پیامبر اکرم (ص) فرمودند: «خانه‌ای که بچه ندارد، برکت ندارد» (متقی هندی، کنز العمال، ج ۱۶، ص ۲۷۴).

برکت عبارت است از فراوانی، رونق، فزونی، سعادت و نیک بختی (دانشگر، ۱۳۸۱، ص ۱۲۶؛ معین، ۱۳۸۸، ذیل واژه برکت). در این تعریف، برکت شامل مجموعه‌ای از هیجان‌ها، اندیشه‌ها، رفتارها و احساس‌هایی است که به‌طور وسیع با سلامت و بهداشت روانی خانواده در ارتباط هستند. لذا هرچقدر فرزندان بیشتر باشند، خیر و برکت نیز افزایش پیدا می‌کند.

این روایت موضوع تک‌فرزندی را رد می‌کند، چون حضرت نفرموده خانه‌ای که در آن فرزند نیست، بلکه فرموده‌اند: خانه‌ای که در آن کودک نیست. از این‌رو لفظ کودک بیانگر سن ویژه‌ای از طول عمر است؛ یعنی در خانه‌ای که مدام دارای کودک است برکت دائم در حال نزول است. با وجود این خانواده‌های تک‌فرزند به‌صورت مقطعی از برکت بهره‌مندند.

۲. محرومیت از حمایت معنوی پس از مرگ

نقش فرزند تنها منحصر در زندگی دنیوی نمی‌باشد پیامبر (ص) درباره نقش فرزند در حیات پس از مرگ فرموده‌اند: «هیچ‌یک از شما نباید فرزندخواهی را واگذارد؛ چراکه وقتی انسان بمیرد و فرزند نداشته باشد، از نام و آوازه می‌افتد» (متقی هندی، کنز العمال، ج ۱۶، ص ۲۸۱). در همین باره امام سجاده در صحیفه سجاده این‌گونه می‌فرماید: «... و نام مرا به سبب آن‌ها جاوید دار» (صحیفه سجاده، دعای ۲۵). شارحان صحیفه، مراد از «ذکر» را در این فراز، آوازه نیکو دانسته‌اند، نه مطلق یاد و نام (حسینی مدنی، ریاض السالکین، ج ۴، ص ۱۰۵). بنابراین این

فرمایش امام(ع) فقط منافع والدین را دربر نمی‌گیرد بلکه هدف زنده نگه‌داشتن مکارم و نیکی‌هاست که والدین از آن برخوردار بوده‌اند و پس از ایشان توسط فرزندان مجدد احیا می‌شود. از این‌رو پدران و مادرانی که از دنیا رفته‌اند، از عبادت و مناجات و کار نیک فرزندان‌شان بهره می‌برند. وجود فرزندان نه‌تنها شالوده زندگی دنیوی را استحکام می‌بخشد بلکه عامل مؤثری در رشد و تعالی معنوی والدین پس از مرگ نیز خواهد بود.

والدینی که فرزند ندارند یا به یک فرزند بسنده کرده‌اند بالطبع از برکات معنوی و خیراتی که پس از مرگ توسط فرزندان انسان می‌رسد بی‌بهره‌اند. احساس داشتن فرزندان صالح که با انجام کارهای خیر باقیات‌الصالحات پدر و مادر هستند علاوه بر احساس رضایتمندی از زندگی در انسان امید به فضل و رحمت الهی را افزایش می‌دهد و دل و روح را نورانی می‌سازد. در مقابل انسانی که با کوله باری از گناه از دنیا رفته است و هیچ‌گونه امیدی به بازماندگان ندارد در چنین وضعیتی احساس یاس و پوچی خواهد داشت، درحالی‌که اگر این شخص فرزندی داشته باشد که مدام در حق او دعا کند و خیری به او برساند بدون شک برای او اتفاقی لذت‌بخش و اشتیاق‌آور روی خواهد داد.

۳. کاهش یاری‌رساندن در دوران پیری

روان‌شناسان، معمولاً دوره پیری را به‌عنوان دوره انحطاط در نظر می‌گیرند. افراد در دوره پیری با مجموعه‌ای از ناتوانی‌های جسمی و محرومیت‌های اجتماعی روبه‌رو می‌شوند، که باید با آن‌ها کنار بیایند. در این دوره، نیرومندی و سلامت جسمانی آن‌ها کاهش می‌یابد و همراه با بازنشسته شدن از شغل خود تا حد زیادی درآمدشان را از دست می‌دهند و به‌مرورزمان، رابطه‌شان با همسر، خویشاوندان و دوستان کم می‌شود. همراه با این آسیب‌ها آن‌ها دچار افت جایگاه اجتماعی نیز می‌شوند که ملازم پیری است و همان‌گونه که در آمریکا مطرح است، احساس منفعلی از "بی‌مصرف" بودن می‌کنند (کرین، ۱۳۸۴، ص ۳۷۴).

به‌علاوه با افزایش سن، ظرفیت ذخیره اندام‌ها کاهش می‌یابد و فرد نمی‌تواند در برابر مشکلات به‌قدر کافی مقاومت کند و به‌ناچار باید فعالیت‌های خود را کمتر کند و به‌این‌ترتیب وابستگی‌های او به دیگران بیشتر می‌شود (لطف‌آبادی، ۱۳۸۷، ص ۲۶۱). این در حالی است که سالمندان نیاز به حمایت و احترام بیشتری دارند و هر چه در این مرحله از زندگی اطرافیان توجه و رسیدگی بیشتری به سالمند داشته باشند روحیه و انگیزه آنان برای زندگی و تلاش بیشتر خواهد شد. "پیری، مرحله پیشرفته زندگی است و مردان و زنان سالخورده‌ای که خوب زندگی کرده، فرزندان شایسته تربیت‌کرده و در تولید و خدمات فرهنگی و اجتماعی و اقتصادی آثار مثبتی از خود به‌جای گذاشته‌اند، شایسته بیشترین احترام و حمایت هستند و هرگز نباید آنان را از بسیاری از عرصه‌های زندگی کنار گذاشت (لطف‌آبادی، ۱۳۸۷، ص ۲۵۸).

به‌طور طبیعی وجود فرزندان آثار و برکاتی برای والدین به‌دنبال دارد که امام سجاد(ع) به‌خوبی به این آثار و برکات اشاره کرده است. حضرت در صحیفه سجادیه از خداوند چنین طلب می‌کند: «آنان را در حوائج یاور من

گردان» (صحیفه سجادیه، دعای ۲۵). زندگی انسان، سرشار از نیازها و حوایج مادی و معنوی‌ای است که افراد در برآوردن آن‌ها از کمک دیگران بی‌نیاز نیستند. مطابق آموزه‌های دینی نباید در یاری خواستن از دیگران جهت رفع حوائج، تن به ذلت و پستی داد؛ بلکه با حفظ کرامت باید از منافع زندگی اجتماعی بهره برد. امام صادق(ع) می‌فرماید: "عِزُّ الْمُؤْمِنِ غِنَاهُ عَنِ النَّاسِ" عزت مؤمن در بی‌نیازی و طمع نداشتن به مال و زندگی دیگران است (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۷۲، ص ۱۰۹). از آنجاکه وجود فرزندان امتداد وجود آدمی است، نوعی اولویت برای رفع نیازها نسبت به والدین احساس می‌شود. والدین تمایل دارند حداقل از آن جهت که وجود فرزندان از وجود ایشان نشأت گرفته است و تلاش فراوانی برای رشد جسمی و روحی آنان نموده‌اند، از سوی فرزندان نیز پاسخ مناسبی در شکل خدمت به والدین و رفع نیازهای مادی و معنوی و عاطفی آن‌ها صورت پذیرد. این تلقی هیچ‌گاه نباید به‌صورت توقع نابجا از سوی والدین در گفتار و کردار بروز کند؛ بلکه یکی از بهترین روش‌های احیای آن همین روشی است که امام سجاد(ع) از طریق دعا کردن و درخواست از پیشگاه الهی بدان تمسک جسته است (موسوی، ۱۳۹۲، ص ۷۶).

از دیگر امتیازهای داشتن فرزند که در روایات و آیات قرآنی نیز بدان توجه شده، تحقق بخشیدن به امیدهای والدین در دوران سالمندی‌شان است؛ زیرا والدین علاقمندند که فرزندان‌شان در هنگام پیری از آنان دست‌گیری کنند. به تعبیر دیگر، داشتن فرزند امید به زندگانی را در والدینی که فرزند دارند افزایش می‌دهد. در خانواده‌های بی‌فرزند یا تک‌فرزند به‌طور معمول امید به زندگی در زن و شوهر چندان چشمگیر نیست یا هنگامی که والدین فرزندان خود را به‌گونه‌ای تربیت نکرده‌اند که در آینده یار و یاور آنان باشند نیز، میزان امید آنان به زندگی چندان زیاد نیست. امام حسن عسکری(ع) فرزند را بهترین یار و مددکار انسان معرفی می‌کند و از نظر او کسی خوار و نگون‌بخت است که فرزندی نداشته باشد (پناهی، ۱۳۹۵، ص ۵۳).

در دین اسلام پیوسته بر احسان به والدین به‌ویژه در سنین پیری و کم‌توانی آنان تأکید شده است؛ اما در اغلب خانواده‌های تک‌فرزند، فرزندان دچار کمال‌گرایی مفرط، استقلال و ... هستند و این موضوع باعث می‌شود گاه به‌تنهایی در شهر یا کشور دیگر زندگی کنند. گاهی مدام در پی پیشرفت تحصیلی یا شغلی هستند و گاه به دلیل انزوا، با والدین ارتباط عاطفی برقرار نمی‌کنند. از این‌رو، والدین نمی‌توانند در سنین کم‌توانی از حمایت‌های فرزندان برخوردار شوند و بسیاری از نیازهای جسمی، مالی، عاطفی و ... آنان برطرف نمی‌شود؛ درحالی‌که در خانواده‌های پرجمعیت، امکان برطرف‌سازی نیازهای والدین بسیار بیشتر از خانواده‌های تک‌فرزند است.

کودکان تک‌فرزند هنگامی که از پدر و مادر جدا شده و مشغول زندگی خود هستند برگشت آن‌ها به خانواده و یاری‌دادن آن‌ها به والدین کم‌رنگ‌تر می‌شود. درواقع کم‌فرزندی نوعی کسلی در حوزه خانواده ایجاد می‌کند و ارتباطات عاطفی بین اعضا کمتر می‌شود. در خانواده‌های پرجمعیت اگر اعضاء هرماه یک‌بار هم به دیدن والدین خود بروند در ماه چندین بار همدیگر را خواهند دید. در غرب ارتباطات عاطفی کم‌رنگ‌تر شده که یکی از عوامل

آن کم بودن تعداد فرزندان است. این مسئله می‌تواند سلامت روانی والدین تک‌فرزند را به خطر بیندازد و آنان را با آسیب جدی روبرو سازد.

خاتمه

آنچه بدیهی است در جامعه کنونی تغییرات گسترده‌ای در سبک فرزندآوری ایجاد شده است و خانواده با آسیبی به نام تک‌فرزندانی روبرو شده است. به تدریج جایگاه الگوی سنتی خانواده با محوریت «حضور فرزند مایه رحمت و برکت است» جای خود را به الگوی «حضور فرزند مایه زحمت است» بخشیده است. با توجه به گسترش روزافزون تک‌فرزندانی، خانواده‌های ایرانی در آینده‌ای نه‌چندان دور با آسیب‌هایی متعددی دست‌به‌گریبان خواهند بود. جامعه‌ای که در آن کودکان، پدران و مادران آن از سلامت جسمی، روانی و تربیتی برخوردار نباشند، نمی‌تواند جامعه‌ای پویا و پیشرو باشد.

از منظر آموزه‌ای دینی تک‌فرزندانی نه تنها تأیید نشده است بلکه یک معضل شناخته شده است که می‌تواند اساس موجودیت یک جامعه را سست کرده و به تدریج به نابودی بکشاند. اگرچه در آموزه‌های دینی به طور مستقیم بحثی از تک‌فرزندانی یا کمیت و تعداد فرزند به میان نیامده است، اما جهت‌گیری کلی روایات به سمت کثرت اولاد می‌باشد. به تعبیر روایات حضور فرزندان باعث دلگرمی والدین و بازوی آنان محسوب شده و در سلامت و آرامش روانی والدین مؤثر است. آیات قرآن فرزند و جمعیت را مدد الهی دانسته و از ارکان تکامل بشر می‌پندارد. ضمن این‌که روایات معصومین(ع) درباره رحمت الهی دانستن فرزند و استحباب کثرت اولاد در کنار سفارش به ازدواج با زنان ولود نشان‌دهنده اهمیت فرزندآوری و تولید نسل از منظر دینی می‌باشد.

از منظر روان‌شناختی نیز والدین تک‌فرزند با آسیب‌هایی چون اضطراب و افسردگی روبرو خواهند بود. وجود فرزند، موجب آسایش روحی و فکری انسان می‌گردد و انسان را از دغدغه درونی و افسردگی روحی نجات می‌دهد. فرزندان در همه حال کمک‌کار والدین هستند و کسانی که دارای فرزند هستند از کانون خانواده‌ی محکمتری برخوردارند؛ زیرا پدر و مادر به خاطر تأمین فرزندان بیشتر به کار و تلاش می‌پردازند و کمتر به مشکلات فکر می‌کنند و مشکلات کوچک نمی‌تواند آن‌ها را متزلزل کند. این درحالی‌که است که در خانواده‌های تک‌فرزند وابستگی دارای افراط و تفریط است و از تعادل برخوردار نمی‌باشد.

از سوی دیگر تربیت این کودکان به دلیل عدم تعامل با همشیران برای والدین وقت‌گیر بوده و مشکلاتی چون فرزندسالاری و کاهش انسجام خانواده را در پی دارد. چراکه فرزند عامل دلگرمی والدین و تداوم بخش حیات مشترک آن‌هاست. در نتیجه وجود یک فرزند نمی‌تواند نقشی که چندین فرزند در استحکام خانواده دارا هستند را ایفا سازد. از نظر جسمی بارداری و شیردهی و زایمان به سلامتی مادر کمک کرده و نقش مهمی در هوش و حافظه و جلوگیری از سرطان‌های متعدد دارد و مادرانی که این فرصت را از دست می‌دهند بهره کمتری دارند. مهمترین

چالشی که والدین با آن روبرو خواهند بود آسیب معنوی و محرومیت از برکات و فضایل فرزندپروری می‌باشد. این والدین در آینده و دوران سالمندی که نیاز به کمک و رسیدگی دارند از نعمت یاری فرزند کمتر برخوردارند و پس از مرگ نیز از وجود فرزندان که باقی الصالحات بوده و همواره یاد و خاطرشان را زنده سازد محروم خواهند بود.

بنابراین خانواده‌های تک‌فرزند در زمینه‌های مختلف در معرض آسیب‌های متعددی می‌باشند. این آسیب‌ها نه تنها افراد خانواده را درگیر می‌سازد بلکه در نهایت جامعه را نیز با بحران‌هایی مواجه خواهد ساخت. تک‌فرزندی که یکی از عوامل هسته‌ای کاهش جمعیت است در صورت شیوع می‌تواند بنیان جامعه را هدف قرار داده و در ابعاد گوناگون اقتصادی، فرهنگی و سیاسی و مذهبی آسیب‌زا باشد.

منابع

- قرآن کریم.
- صحیفه سجاده.
- آیت اللهی، زهرا، (۱۳۹۵)، *دانش خانواده و جمعیت*، قم: معارف.
- ابن‌شعبه حرانی، حسن بن علی، (۱۳۶۳)، *تحف العقول عن آل الرسول*، تصحیح علی اکبر غفاری، قم: جامعه مدرسین.
- پناهی، علی احمد، (۱۳۹۵)، «نگاهی به فواید و آثار فرزندآوری و فرزندپروری در آموزه‌های دینی با رویکردی اخلاقی»، فصلنامه علمی ترویجی اخلاق، دوره جدید، سال ششم، بهار، شماره ۲۱.
- ترکان، راضیه، (۱۳۹۶)، *فرزندم تک است*، تهران: نشر حدیث عشق.
- تهرانی، سید محمدحسین، (۱۴۱۵ ق)، *کاهش جمعیت ضربه‌ای سهمگین بر پیکر مسلمین*، انتشارات حکمت.
- حر عاملی، محمد بن الحسن، (۱۳۷۴)، *وسائل الشیعه*، قم: مؤسسه آل البيت.
- _____، (۱۴۱۲ ق)، *هدایه الأئمه إلى أحكام الأئمة*، چاپ اول، مشهد: آستانه الرضویه المقدسه، مجمع البحوث الإسلامیه.
- دانشگر، احمد، (۱۳۸۱)، *فرهنگ فارسی نوین*، تهران: نشر حافظ نوین.
- دژبرار، کریم، (۱۳۹۶)، *آسیب‌شناسی تک‌فرزندی از دیدگاه اسلام و علوم اجتماعی*، چاپ اول، قم: بوستان کتاب.
- دورانت، ویل، (۱۳۸۶)، *تاریخ فلسفه*، ترجمه عباس زریاب خویی، نشر علمی و فرهنگی.
- رجبیان، زهره، (۱۳۸۶)، «کنترل مولید از دیدگاه اسلام»، حوراء، فروردین و اردیبهشت، شماره ۲۴.

- روین، ژیلبرت، (۱۳۳۴)، *چه می‌دانم تربیت اطفال دشوار*، ترجمه لیلی ایمن، تهران: پیروز.
- ساطوریان، سید عباس، *ابعاد تربیتی - روان‌شناختی تغییرات جمعیتی*، جمعی از نویسندگان، درس‌نامه تغییرات جمعیتی (در دست چاپ).
- ساطوریان، سید عباس، کارینه طهماسبیان، محمدرضا احمدی، (۱۳۹۳)، «مقایسه مشکلات رفتاری کودکان در خانواده‌های تک‌فرزند و دو فرزند»، *روان‌شناسی و دین*، سال هفتم، شماره سوم، پیاپی ۲۷، پاییز
- سراقی، همایون و دیگران، (۱۳۹۴)، «مادر از نگاه اسلام و روان‌شناسی و تعیین مؤلفه‌های نقش مادری بر اساس متون دینی»، پژوهش‌نامه اسلامی زنان و خانواده، سال دوم، شماره چهارم، ص ۱۳-۳۴.
- شاملو، سعید، (۱۳۸۶)، *بهداشت روانی*، چاپ نوزدهم، تهران: رشد.
- صدوق، محمد بن علی بن الحسین بن بابویه (۱۳۶۳)، *من لایحضره الفقیه*، قم: جماعة المدرسين فی الحوزة العلمیه بقم، مؤسسه النشر الإسلامی.
- طباطبائی، سید محمدحسین، (۱۳۷۸)، *المیزان*، ترجمه محمدعلی کرامتی قمی، چاپ ششم، قم: بنیاد علمی فکری علامه طباطبائی.
- عباسی ولدی، محسن، (۱۳۹۴)، *من دیگر ما*، چاپ بیست و پنجم، تهران: نشر آیین فطرت.
- قدسی، محمد؛ بلالی، اسماعیل و سعید عیسی زاده، (۱۳۹۰)، «بازدارنده‌ها و تسهیل‌کننده‌های اقتصادی - اجتماعی طلاق»، مطالعات راهبردی زنان، پاییز، شماره ۵۳.
- کرین، ویلیام کریستوفر، (۱۳۸۴)، *نظریه‌های رشد و مفاهیم و کاربردها*، غلامرضا خوی‌نژاد و علیرضا رجایی، چاپ اول، تهران: رشد.
- کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق (متوفای ۳۲۹ ق)، *الکافی*، قم: نشر دارالحديث.
- لطف‌آبادی، حسین، (۱۳۸۷)، *روان‌شناسی رشد*، چاپ نهم، سمت.
- مجلسی، محمدباقر، (۱۴۰۳ ق)، *بحارالانوار*، تهران: اسلامیه.
- مدنی شیرازی، علی‌خان، (۱۴۱۱ ق)، *ریاض السالکین*، ج ۴، تهران: نشر اسلامی.
- معین، محمد، (۱۳۸۸)، *فرهنگ فارسی*، تهران: نشر امیرکبیر.
- مکارم شیرازی، ناصر، (۱۳۸۰)، *مجموعه مقالات و گفتارهای دومین سمینار دیدگاه‌های اسلام در پزشکی*، انتشارات دانشگاه علوم پزشکی مشهد.
- موسوی، عالمه سادات، (۱۳۹۲)، «تربیت فرزند و آثار و برکات آن برای والدین»، مجله نامه جامعه، آذر و دی، شماره ۱۰۷.
- مهدوی، محمدصادق و حسن غنیمتی، (۱۳۸۱)، «فرزندسالاری»، پژوهشنامه علوم انسانی، پاییز، شماره ۳۵.

- نژاد مقدم، محترم، (۱۳۹۴)، «اهمیت فرزندآوری سالم و به‌موقع و بیان مشکلات بدون فرزند و تک‌فرزند»، ویژه‌نامه جمعیت خانه خوبان، پیاپی ۸۱، آبان.
- هراتیان، عباسعلی و سید عباس ساطوریان، (۱۳۹۴)، «بررسی تفاوت تعارض زناشویی، باورهای غیرمنطقی، روان‌بندهای ناسازگار اولیه و پابندگی مذهبی والدین دارای یک و چند فرزند»، روانشناسی و دین، سال هشتم، پاییز، شماره ۳.
- هورنای، کارن، (۱۳۸۱)، روان‌شناسی زن، ترجمه محمدحسین سروری، تهران: نشر دانژه.
- American Institute for Cancer Research/ World Cancer Research Fund, Food, Nutrition, Physical Activity and the Prevention of Cancer: a Global Perspective شده بایگانی‌شده در ۶ اکتبر ۲۰۱۵ توسط Wayback Machine